

نوع مقاله: پژوهشی

واکاوی بحران دولت و راهبردهای دستیابی به دولت آرمانی در سراج الملوک ابوبکر طرطوشی (د. ۵۲۰ ق)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷)

فاطمه احمدوند^۱

چکیده

بخش مهمی از اندیشه سیاسی و مفاهیم نظری معطوف به «دولت» شناسی در تاریخ اندیشه اسلامی، در قالب سنت اندرزنامه نویسی بازتاب یافته است. سراج الملوک نوشته ابوبکر طرطوشی، نمونه‌ای از این آثار است که در دوره انحطاط خلافت اسماعیلی مذهب فاطمیان مصر یعنی نیمه اول قرن ششم هجری به رشته تحریر در آمده است. مسأله پژوهش حاضر ارائه نگرشی اندیشه‌شناختی از درک طرطوشی نسبت به بحران اضمحلال دولت، شناخت ماهیت دولت آرمانی و راه‌حل‌های رسیدن بدان است؛ به عبارت دیگر، پرسش اصلی ناظر به چگونگی دلیل‌یابی بحران سیاسی زمانه و ماهیت تجویزهای طرطوشی برای رسیدن به دولت آرمانی است. مدل مفهومی توماس اسپریگنز در فهم نظریه‌های سیاسی پایه مفهومی این پژوهش است و فرض حاصل از شناخت تاریخی زمانه و اندیشه سیاسی طرطوشی آن است که وی دوران اضمحلال خلافت فاطمیان را بحرانی سیاسی می‌دانست و اثر وی مراحل فهم اندیشه سیاسی در نظر اسپریگنز یعنی بحران‌شناسی، دلیل‌شناسی بحران، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی معطوف

۱. استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) Ahmadvand@ISR.ikiu.ac.ir

به دولت را در بردارد. روش انجام این پژوهش مبتنی بر تحلیل محتوای سراج‌الملوک بوده است تا مؤثرترین کدهای برآمده از این اثر با محورهای مدل اسپریگنز تطبیق یابد. دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که طرطوشی خواهان اصلاح دولت برای برون‌رفت از بحران و رسیدن به دولت آرمانی فضیلت‌گرا بوده است و با تکیه بر راهبرد اصلاح اخلاق فردی، عدالت‌محوری برای اصلاح ساختار قضایی و تنظیم روابط میان طبقات جامعه و ارتقای جایگاه مشورتی عالمان در دولت به منظور تضمینی برای بقای سلامت در نظام سیاسی، امید به تحقق آن داشته است.

واژگان کلیدی: طرطوشی، سراج‌الملوک، دولت، اسپریگنز.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ابوبکر طرطوشی و سراج الملوک

محمدبن ولید فهری طرطوشی معروف به ابن ابی رندقه / رندقه در شهر تَرْتُسا^۱ در آندلس (تقریباً معادل اسپانیای امروزی) در ۴۵۱ قمری زاده شد (ابن‌خلکان، ۱۹۶۷، ۴: ۲۶۳ - ۲۶۵). وی فقیهی مالکی مذهب بود که مهم‌ترین علوم اسلامی شامل فقه، حدیث و ادب را در شهرهای مختلف آندلس و بعدها در سفر به شرق، در ایران و عراق، از عالمان نامدار آموخته بود (قاضی عیاض، ۱۹۸۳، ۸: ۱۱۸؛ ابن فرحون، ۱۹۶۶: ۳۷۱ - ۳۷۲؛ سمعانی، ۱۹۷۸، ۹: ۶۹؛ ابن بشکوال، ۱۹۶۶، ۲: ۵۷۵؛ یاقوت حموی، ۱۹۶۵، ۳: ۵۳۰؛ ابن‌خلکان، ۱۹۶۷، ۴: ۲۶۵-۲۶۲). وی بعدها به مصر سفر کرد و تا آخر عمر در اسکندریه بود (ضبی، ۱۹۶۹، ۱: ۱۷۶-۱۷۷؛ یاقوت حموی، ۱۹۶۵، ۳: ۵۳۰؛ ابن‌فرحون، ۱۹۶۶: ۳۷۲). وی از مشهورترین و تأثیرگذارترین عالمان مصر، شمال آفریقا و به نوعی مرکز و غرب جهان اسلام به شمار می‌رود (ضبی، ۱۹۶۹، ۱: ۱۷۷؛ ابن‌فرحون، ۱۹۶۶: ۳۷۲). وی سرانجام در سال ۵۲۰ درگذشت (سمعانی، ۱۹۷۸، ۹: ۶۹؛ ابن‌خلکان، ۱۹۶۷، ۴: ۲۶۴؛ ضبی، ۱۹۶۹: ۱۷۹). آوازه اندیشه وی چندان است که با اندیشمندانی مانند ابن‌خلدون مقایسه می‌شود (بیاتی، ۱۹۹۹: ۹).

طرطوشی آثار متعددی با مضامین مختلف به رشته تحریر درآورده است که بیشتر نگرش‌های فقهی، حدیثی، تفسیری و گاه نگارش‌های ادبی وی را تشکیل می‌دهند (طرطوشی، ۱۹۹۷: مقدمه مصحح، ۲۲-۳۶، ۷۲-۱۱۸؛ ضبی، ۱۹۶۹، ۱: ۱۷۹؛ مقرئ، ۱۹۶۸، ۲: ۸۸؛ حاجی‌خلیفه، ۱۴۰۲-۱۴۱۰، ۲: ۱۰۸۱؛ شیال، ۱۹۶۵: ۸۱-۹۴). با این حال، طرطوشی را بیشتر به اندرزنامه سیاسی وی برای

دولتمردان یعنی «سراج الملوک» می‌شناسند که حاوی اندیشه سیاسی اوست. سراج الملوک ویژگی‌های یک نظریه سیاسی را داراست که در آن، نگارنده با ارائه درکی منتقدانه از وضع موجود، بیشترین بخش از اثر خود را به راهبردهایی برای رسیدن به ساختار حاکمیتی ایده‌آل اختصاص داده و عملاً ویژگی‌های دولت آرمانی خود را تبیین کرده است. این اثر ۶۴ باب دارد که در چند محور به ارائه معرفت‌شناسی دین‌محور بر مبنای آموزه‌های اسلامی، آموزه‌های اخلاقی و آموزه‌هایی برای شناخت و تبیین ساختارهای دولت آرمانی تالیف شده است.

خاستگاه تاریخی سراج الملوک: عصر «بحران»

سراج الملوک اثری به زبان عربی کلاسیک در ۶۴ باب است که در مجموع به ارائه معرفت‌شناسی دین‌محور بر مبنای آموزه‌های اسلامی و اخلاقی برای شناخت و تبیین ساختارهای دولت می‌پردازد و به عنوان نظریه‌ای سیاسی به ارائه راه‌حل‌های اجرایی برای رسیدن به دولتی آرمانی دست می‌زند. اساس این اثر را درک نگارنده از ساختارهای «موجود (بحران زده)» و «آرمانی» جامعه شکل می‌دهد که با زبانی کلاسیک از انواع تمثیل‌ها، تلمیها، گزارش‌های تاریخی و شبه‌تاریخی و استشهادات به آیات، احادیث، اشعار و داستان‌های کوتاه تألیف یافته است (برای نمونه نک: طروش، ۱۹۹۵: ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۶۱-۶۰، ۱۵۴). همچنان که از عنوان *سراج الملوک* بر می‌آید، مخاطب اصلی آن را طبقه حاکمان تشکیل می‌دهد و نگارنده با واژگان «ملک» و «سلطان» که در سراسر اثر کاربرد فراوانی دارند، مخاطب خود را فرمانروای مسلمان جامعه فرض کرده است. زبان نظریه، نصیحت‌گونه است و نگارنده از ابتدای اثر «ضرورت موعظه برای حاکمان به سبب اشتغال ایشان به کارهای مختلف [و غفلت از خویش]» (طروش، ۱۹۹۵: ۱۷) را مطرح می‌کند.

واضح است که محتوای اندیشه سیاسی موضوعی واقع‌گرایانه است که با زمانه،

تاریخ و عینیت‌های سیاسی در دوره‌های تاریخی رابطه مستقیم دارد؛ لذا برای درک هر اندیشه سیاسی باید زمانه نظریه‌پرداز را به درستی شناخت؛ برای نمونه، همچنانکه برای درک اندیشه ماکیاولی در شهریار نیاز است تا ایتالیا، بویژه فلورانس سده شانزدهم میلادی را درک کرد (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۵۷) و برای شناخت اندیشه مارکس نیز تحولات نظام‌های اقتصادی و سیاسی اروپا در سده نوزدهم را شناخت (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۹؛ آرون، ۱۳۸۴: ۱۷۱-۱۷۸)، برای شناخت بهتر اندیشه طرطوشی نیز باید درکی درست از زمانه او داشت.

زمانه سیاسی نگارش *سراج الملوک* را بیشتر باید از منظر سقوط مقطعی و سپس احیای مجدد قدرت سیاسی خلافت سنی مذهب عباسیان به عنوان نماد اقتدار سیاسی و مذهبی اندیشه «سنت و جماعت» که در نیمه سده پنجم اتفاق افتاد و در برابر آن، اقتدار اولیه و سپس، انحطاط و سقوط خلافت اسماعیلی مذهب فاطمیان در مصر، به عنوان دو رقیب مذهبی - سیاسی مورد بازشناسی قرار داد (لویس، ۱۳۸۹: ۱۶۶، ۱۶۹-۱۷۰؛ اشتري و بادکوبه، ۱۳۸۹: ۱۲-۲۲).

عباسیان در برابر توسعه ناگهانی اقتدار سیاسی و نظامی خلافت رقیب یعنی فاطمیان اسماعیلی مذهب که در نیمه سده چهارم در مصر به اوج اقتدار رسید و دامنه نفوذ آن حتی فراتر از مرزهای سرزمین‌های اسلام گسترش یافت (ابن‌تغری بردی، ۱۳۹۰: ۴؛ ۱۵۱-۱۵۲)، روندی از افول و اقتدار را تجربه کردند که در نیمه قرن پنجم با سقوط چندماهه بغداد در کودتای بساسیری، فرمانده گروه یافته به فاطمیان به اوج رسید، اما درست در همین زمان با ورود سلجوقیان سنی مذهب از ماوراءالنهر به عرصه نزاع‌های سیاسی جهان اسلام، به سرعت احیا شدند و حتی توانستند یک قرن بعد، یعنی در نیمه دوم سده ششم، بواسطه بخشی از نیروهای وابسته به اتابکان سلجوقی یعنی سپاهیان صلاح‌الدین ایوبی، فاطمیان را برای همیشه ساقط سازند (ابن شداد، ۱۹۶۴: ۴۵؛ حتی، ۱۳۸۰:

۶۱۱-۶۱۰، ۶۱۸، ۷۹۴-۷۸۷؛ ناصری طاهری، ۱۳۷۹، ۲۵ به بعد، ۶۵ به بعد).

در تمام این دوران در جبهه عباسیان؛ مذاهب اهل تسنن، عالمان این مذاهب، مدرسه‌ها از جمله مدارس نظامیه، حکمرانان سنی هوادار خلافت عباسی مانند سلجوقیان و اتابکان و وابستگان ایشان در یک جبهه و فاطمیان، عقاید اسماعیلیه، داعیان اسماعیلی، مساجد و اماکن مقدس فاطمی و نیروهای نظامی ایشان در دیگر سوی، مشغول نزاع‌های مذهبی، کلامی، سیاسی و نظامی بودند (کسای، ۱۳۶۸: ۹۵ به بعد؛ حتی، ۱۳۸۰: ۶۱۰-۶۱۱، ۶۱۸، ۷۸۷-۷۹۴؛ ناصری طاهری، ۱۳۷۹، ۲۵ به بعد، ۶۵ به بعد؛ لوئیس، ۱۳۸۹: ۱۶۶، ۱۶۹-۱۷۰). در این نزاع، ابوبکر طرطوشی را باید از پیشگامان مذهبی جبهه اهل تسنن دانست که میراث فکری او از جمله عوامل زمینه‌ساز تفوق جبهه تسنن بر ضد اسماعیلیان بود (اشتری و بادکوبه، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵؛ واکر، ۱۳۸۳: ۲۳۹). طی تمامی دوران این نزاع، در جامعه مصری در حالی که حاکمیت در دست خلافت اسماعیلی مذهب بود، اهل تسنن در اکثریت مطلق بودند و پس از ایشان، شمار فراوانی از مسیحیان (اکثراً قبطی) و یهودیان، اقلیت‌های قابل توجه و قدرتمندی را تشکیل می‌دادند که اعضای آن مقام‌های مهمی حتی وزرات را به دست می‌آوردند (مصطفی عامر، ۲۰۰۰، ۱: ۱۷۳-۲۲۲). از آنجا که فاطمیان از نظر مذهبی نسبت به اهل تسنن در اقلیت بودند، بعید نیست که گروه ایشان به اهل ذمه در ساختار دولت، ایجاد توازنی حامی برای خود باشد؛ اما موضوع دستیابی اهل ذمه (مسیحیان و یهودیان) بر مقام‌های سیاسی و اجرایی جهان اسلام، از قرون پیشین در اندیشه سیاسی جهان اسلام، محل مذاقه اندیشمندان سیاسی مسلمان بود، چنانکه در «دستورالوزراء»ها یا دستورالعمل‌های اجرایی برای وزیران، اهل ذمه را فقط تا رسیدن به مقام وزیران مشاور (نه وزیران اجرایی) جواز داده بودند (ماوردی، بی‌تا: ۴۴) و به طور کلی، بیشتر مسلمانان نسبت به دستیابی اهل ذمه به مقام‌های حاکمیتی

نظری مثبت نداشتند؛ با این حال در کارنامه خلفای فاطمی، شمار بسیار قابل ملاحظه‌ای از غیر مسلمانان کارگزاری دولت فاطمی را برعهده داشتند به نحوی از میان آنان حتی وزیران اجرایی مؤثری مانند یعقوب بن کلس یهودی (۳۶۷-۳۷۳ق)، خاندان ابن نسطورس مصری و بهرام ارمنی (۵۲۹-۵۳۱ق) برآمدند (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۷۴: ۱۷۹؛ ابن صیرفی، بی‌تا: ۱۹-۶۴) که این موضوع می‌توانست مشروعیت سیاسی فاطمیان را در مصر و سراسر جهان اسلام مورد تهدید قرار دهد.

دیگر چالش مهم فاطمیان، تهاجم اقوام مسیحی اروپا به سرزمین‌های اسلامی بود که از اواخر سده پنجم در قالب لشکرکشی‌هایی که امروزه به عنوان «جنگ‌های صلیبی» شناخته می‌شود، آغاز شده و شهرهای مسلمان‌نشین آسیای صغیر و سپس بخش‌های ساحلی شام و سواحل مصر را گرفتار نبرد کرده بود. در این سلسله نبردها که تا اواخر سده هفتم ادامه یافت و مجموعه آن‌ها را می‌توان مهم‌ترین نبرد مذهبی میان مسلمانان و مسیحیان برشمرد، دولت‌های اسلامی، بویژه دولت‌های سنی، اتابکان شام و بعدها ایوبیان و ممالیک، بیشترین درگیری را با صلیبیان داشتند؛ جغرافیای این درگیری‌ها نیز هم‌مرز با قلمرو خلافت فاطمیان بود (ابن شداد، ۱۹۶۴م: ۲۱-۲۳؛ نیز نک: حتی، ۱۳۸۰: ۸۳۳-۸۰۵). افزون بر این چالش‌ها، معضل دیگر دستگاه خلافت فاطمیان کشمکش‌های قدرت در جانشینی خلفا و رخوت و ناکارآمدی در اداره کشور بود که از اواخر سده پنجم شدت بیشتری گرفته بود (اشتری و بادکوبه، ۱۲ به بعد؛ ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۸۹-۹۹).

بدین‌ترتیب می‌توان گفت که مصر اواخر دوران فاطمی یعنی در دوره حیات طرطوشی از چالش‌های زیر در فشار بود:

* فشار تخریب‌کننده دستگاه خلافت رقیب در بغداد یعنی عباسیان که با امواج حاکمیت‌های سیاسی سنی مانند زنگیان شام تشدید می‌یافت و با اکثریت داشتن اهل تسنن در مصر موجب انزوای خانگی فاطمیان بود؛

* اضمحلال درونی ساختار قدرت فاطمیان که در قالب رقابت در جانشینی خلفا و کشمکش‌های سیاسی داخلی مدام بازتولید می‌شد؛
 * فشار نظامی مهاجمان صلیبی به مصر از مرزهای شام؛
 * قدرت غیر مسلمانان در ساختار اجرایی دولت فاطمی که حساسیت اهل تسنن علیه فاطمیان را تشدید می‌کرد.

مجموع چالش‌های چهارگانه فوق، ناکارآمدی در اداره و عدم مشروعیت در بقا را برای خلافت فاطمیان رقم زده بود. از این امر می‌توان به عنوان «بحران ناکارآمدی و عدم مشروعیت» فاطمیان نام برد. شناخت این بحران در ادامه و در چارچوب مدل مفهومی اسپریگنز (اسپریگنز، ۱۹۹۷: ۲۵)، شناخت ما را از نظریه طرطوشی کامل‌تر می‌سازد. به عبارتی دیگر، به نظر می‌رسد که طرطوشی در مقام عالمی سنی یعنی از نظر فکری و اعتقادی متخاصم با اعتقادات اسماعیلی مذهب فاطمیان (اشتری و بادکوبه، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵؛ واکر، ۱۳۸۳: ۲۳۹)، برای پاسخی مبتنی بر درک مذهبی و فقیهانه خود نسبت به مشکلات ناشی از دوره انحطاط فاطمیان، به طرح دیدگاه نظری متأثر از درک شریعت‌مآبانه و نگاه حدیث‌گرای خود در مقام یک فقیه مالکی با ذائقه کلامی اشعری (که برای عقل در معادلات سیاسی جایگاهی نسبتاً قابل توجه قائل بودند) (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۵۶-۱۵۸) به دنبال ارائه طرح یک نظام سیاسی سازگار با فقه، سنت، اخلاق‌گرایی دینی و عقلانیتی اشعری‌مآبانه بوده تا «بحران» زمانه خویش را پایان بخشد.

مسأله، روش و مدل مفهومی تحقیق

مسأله اصلی پژوهش تلاشی است برای شناخت ماهیت بحران دولت و دولت آرمانی در سراج الملوک طرطوشی و راهبردهای رسیدن بدان؛ به عبارت دیگر هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش‌های اصلی است که:
 الف - دولت آرمانی از نظر طرطوشی چه ویژگی‌هایی دارد؟



ب- رسیدن به دولت آرمانی از چه راهبردهایی میسر می‌شود؟
از آنجا که پرسش فوق‌ناظر به اندیشه سیاسی طرطوشی است، برای شناخت این اندیشه سیاسی از «مدل مفهومی توماس اسپریگنز» بهره برده شده است. این مدل هر نظریه سیاسی را بر مبنای تقسیمی تحلیل - مفهومی در چهار شالوده مرحله‌وار «بحران یا مسأله، علل یا عوامل بحران، آرمان (بی‌بحرانی) و راه‌حل» های رسیدن به آن شرایط آرمان بازخوانی می‌کند. مفروض است که مراحل مورد نظر اسپریگنز در نظریه طرطوشی به ترتیب با «ناکارآمدی دستگاه خلافت فاطمی (بحران)، ناشی از نفوذ فساد فردی در ساختار حاکمیت و دستگاه قضا (علل بحران) و در نتیجه ضرورت تشکیل حاکمیت و جامعه‌ای فضیلت‌محور و اخلاق‌گرا (آرمان) از طریق راهبردهایی مشخص (راه‌حل)» تناظر داشته باشند، لذا ضروری است تا سراج‌الملوک بر اساس این مدل مفهومی بازخوانی شود.

در مدل مفهومی اسپریگنز، برای شناخت اندیشه هر اندیشمند سیاسی باید به سراغ متن برجای مانده از او رفت، مانند اندیشه ماکیاولی در شهریار و یا به سراغ یادداشت‌ها و سخنرانی‌های بیان‌کننده اندیشه سیاسی وی (اسپریگنز، ۵۶-۵۹، ۶۹-۶۷)؛ برای شناخت اندیشه طرطوشی، یک متن مشخص یعنی سراج‌الملوک در دسترس است، اما از آنجا که این اثر سبک نثر کلاسیک اسلامی را دارد، یعنی مرگب از آیات، احادیث، روایات، مثل‌ها، حکایات و پندهاست، ضروری است تا برای درک تحلیلی آن، از روش «تحلیل محتوا» بهره ببریم؛ بدین ترتیب، مباحث مختلف و پیام‌های آشکار و پنهان متن با کدگذاری و بسامدسنجی استخراج خواهند شد تا از نقاط اصلی تاکید اندیشمند که از خلال پربسامدترین مضامین به دست آمده است، کانون‌های مرکزی روایت اندیشه نگارنده بازخوانی شود و این کانون‌های مرکزی که از نظر تعداد نسبت به بحث‌های مختلف متن، بسیار مختصرتر هستند، قابلیت تطبیق بسیار هموارتری با مدل مفهومی اسپریگنز خواهند داشت. برای این منظور، ابتدا با استفاده از روش تحلیل محتوا این اثر حجیم کدگذاری مفهومی شده است. در این مرحله،

بیش از ۱۰۱۳۰ کد اولیه استخراج شد. این کدها در مرحله‌ای دیگر در قالب ۴۳ کد مفهومی بالادستی، چکیده‌سازی مفهومی شدند و بدین ترتیب، بسامدهای کدهای ۴۳ گانه توانست تمرکز یا چگالی فکری اثر را در حوزه‌های مختلف نشان دهد که در ادامه بررسی می‌شود.

تحلیل محتوای سراج الملوک

در این مرحله از پژوهش، ابتدا تمامی مطالب *سراج الملوک* بر اساس فصول ۶۴ گانه آن، موضوع‌بندی شده به نحوی که هر گزاره اثر، شبه‌پاراگراف و یا در مواردی، هر جمله‌ای روایی (قرآن، حدیث، داستان، مثل، و ...) که موضوعی خاص را مطرح می‌کند، به عنوان یک «کد باز» در نظر گرفته شود و خلاصه موضوع آن در جدول شماره ۱ مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در این مرحله، بیش از ۱۰۱۳۰ کد باز استخراج گردید. باید به این نکته توجه کرد که زبان، نحوه آرایش موضوعات و سبک کلاسیک اثر که در آن چیزی به عنوان پاراگراف رعایت نشده است، این مرحله را دشوار می‌ساخت.

پس از دستیابی به کدهای باز، مضامین اصلی و چکیده این کدها تحت عنوان «مضامین حاصل از تجمیع کدهای باز»، چکیده‌سازی مفهومی شده است تا با طی این مراحل، هر چه بهتر به هسته‌های اصلی مفهومی در نظر اندیشمند دستیابی شود. این جدول بخش بسیار وسیعی از اطناب سخن را کاهش داده و به خوبی محتوای متن را در برابر دیدگان فهم خواننده قرار می‌دهد.

نمونه‌های کدگذاری شده مرحله اول و دوم

برای ارائه نمونه‌ای از فرایند کدگذاری اثر، نمونه کدگذاری باز بخشی از فصل سوم اثر ارائه می‌شود؛ طی این فرایند یعنی کدگذاری اولیه و ثانویه فصل سوم، ۳۰ کد اولیه استخراج شده که در نهایت به ۴ کد محتوایی چکیده یعنی «اصلاح» با ۱۴ بسامد، «عدالت» با ۱۳ بسامد، «مسئولیت‌پذیری» با ۲ بسامد و



علل شناسی بحران دولت و راهبردهای دستیابی... ۴۳

«شایسته‌سالاری» با ۱ بسامد، کانون‌یابی شده و یا تقلیل کمی یافته‌اند. چند نمونه از کدگذاری‌های فصل سوم به شرح ذیل است:

عنوان باب سوم: در [احوال] والیان و قضات؛ مشکلات مربوط به آنان [یعنی] مکرها و خطرهای پیش روی ایشان

کد مفهومی چکیده	شماره صفحه	کدهای باز	محتوای حاصل از تجميع کدهای باز
اصلاح (قضایی)	۸۷	اشاره قرآنی (آیه ۲۶ سوره ص): عدم تبعیت از هوای نفس در هنگام قضاوت	۱ تقوا در قضاوت
اصلاح (سیاسی)	۸۷	بقای و ثبوت دولت در گرو یاری و نصرت خداوند (سوره حج آیه ۴۰) و شرایط یاری خداوند: اقامه نماز، اعطای زکات، امر به معروف و نهی از منکر (سوره حج آیه ۴۱)	۲ ضرورت انجام اوامر الهی توسط دولت
عدالت	۸۷- ۸۸	تفسیر طرطوشی از شروط بقای حکومت: اقامه عدل، رعایت شرایع دینی، یاری مظلوم و مبارزه با ظالم و مراعات فقیران	۳ عدل ضامن بقای دولت
مسئولیت‌پذیری	۸۸	اشاره به حدیث نبوی: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»	۴ مسئولیت دولت در برابر رعیت
اصلاح (سیاسی)	۸۹	نهی شدن عباس عمومی پیامبر (ص) از سوی پیامبر (ص) از پذیرش مقام دولتی و توصیف فرمانروایی از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله: «اول آن ملامت، میانه آن ندامت و آخر آن حسرت در روز قیامت است»	۵ حساسیت مسئولیت دولتی
اصلاح (سیاسی)	۹۰	روایت حسن بصری در باب توصیه پیامبر به عبدالرحمان بن سمره برای خانه‌نشینی و عدم اتخاذ پست و مسئولیت دولتی	۶ حساسیت مسئولیت دولت
شایسته‌سالاری (قضایی)	۹۳	ضرورت به کارگیری افراد توانمند و حق طلب در دستگاه قضا	۷ لزوم توانایی و شایستگی برای پذیرفتن مسئولیت قضا

جدول تطبیقی عناوین، موضوعات و کدهای مستخرج از هر باب (بر اساس تمرکز کدها)

پس از کدگذاری اولیه سراسر متن، در مرحله دوم؛ کدهای اولیه به ۴۳ کد محتوایی بالادستی یا محتوای چکیده، تقلیل کمی یافته است. در نمای کلی، این

بخش از پژوهش؛ باب‌های ۶۴گانه سراج الملوک با محوریت تمرکز موضوعی کدهای هر باب را به تصویر کشیده است؛ در جدول ذیل نشان داده شده است که هر باب چه عنوانی داشته، در آن تمرکز اصلی محتوایی چه بوده و چه تعداد کد را شامل می‌شده است:

تعداد کدهای مستخرج	تمرکز موضوعی کدها	عنوان باب در سراج الملوک	باب
۶۷	مشورت، معناگرایی، اخلاق گرای، زهد	پند دادن به فرمانروایان	۱
۵۳	مشورت، اخلاق گرای، مسئولیت پذیری، زهد، معناگرایی، اصلاح (معنوی)، عدالت، مسئولیت پذیری	جایگاه علما و صالحان نزد امیران، وزرا و پادشاهان	۲
۳۰	اصلاح (قضایی)، اصلاح (سیاسی) بواسطه دینداری، عدالت، مسئولیت پذیری، اصلاح (سیاسی)، شایسته سالاری (قضایی)	در مورد والیان و قضات (مشکلات مربوط به آنان [یعنی] مکرها و خطرهای پیش روی ایشان)	۳
۶	اصلاح (حاکمیت ایده آل مبتنی بر تقوا)، معناگرایی، شایسته سالاری؛	حکومت حضرت سلیمان (ع) و جریان طلب حکومتی از خداوند که به دیگری جز او عطا نکند و نفی بخل از ایشان	۴
۲۱	عدالت	فضیلت والیان و قضات عادل و منصف	۵
۸	اصلاح (معنوی) - آخرت هراسی حاکمان	سلطان در رابطه با رعیت خسران دیده و زیانکار است	۶
۷	الهی بودن حکومت، ضرورت وجود حکومت، اصلاح (اخلاقی - معنوی)	حکمت ضرورت وجود سلطان بر روی زمین	۷
۴	ضرورت وجود حکومت	منافع و مضرات [وجود] سلطان	۸
۴	اصلاح (جامعه)	جایگاه سلطان نسبت به رعیت	۹
۸	عدم استبداد رای	ویژگی‌های شرعی و دینی دولت	۱۰
۴۳	عدالت، ضرورت وجود دولت، مشورت با عالمان، تدبیر	ویژگی‌های قوام بخش پایه‌های [قدرت] سلطان	۱۱
۹	فساد	خصوصیت‌هایی که طبق نظر پادشاهان باعث ویرانی دولت و نابودی سلطنتشان شده است	۱۲
۱۶	تکبر (استبداد)، بدعهدی با مردم، حسادت، بخل، ترس، غضب، نداشتن ارتباط با مردم	ویژگی‌های ذاتی که به ادعای حکما سلطنت براندازند	۱۳
۴	صفات مثبت	ویژگی‌های نیک و پسندیده پادشاهان	۱۴
۱۱	فرمانبرداری مردم	عزت سلطان در گرو اطاعت مردم از او	۱۵
۵	نیکی با مردم	ملاک امور سلطان	۱۶

علل‌شناسی بحران دولت و راهبردهای دستیابی... ۴۵

باب	عنوان باب در سراج الملوک	تمرکز موضوعی کدها	تعداد کدهای مستخرج
۱۷	خیر و شر سلطان	عدالت	۱۴
۱۸	جایگاه سلطان در قرآن	ضرورت حکومت	۳
۱۹	ویژگی های جامعه تحت امر سلطان	عدالت، عقل مداری، اخلاق مداری	۱۱
۲۰	ارکان سلطنت	اصلاح (ساختار حکومت)	۲
۲۱	نیاز سلطان به علم	علم اندوزی	۱۷
۲۲	توصیه علی بن ابی طالب (ع) به کمیل بن زیاد در مورد علم و اهل آن	علم اندوزی	۶
۲۳	عقل، زیرکی، خباثت و مکر	عقل گرایی	۲۹
۲۴	وزیران و ویژگی‌های آنان	وزارت	۳۷
۲۵	هم‌نشینان سلطان و آداب آنها	اصلاح (درباریان یا ساختار حاکمیت)	۱۳
۲۶	خصلت‌های زینت‌بخش سلطان	اصلاح (سازوکار مجازات: عفو)	۳۲
۲۷	مشاوره و نصیحت (خیرخواهی)	مشورت	۳۹
۲۸	حلم و بردباری	اصلاح (سازوکار مجازات)	۵۴
۲۹	راه های فرونشاندن غضب	اصلاح (سازوکارهای مجازات)	۱۶
۳۰	جود و بخشش	اخلاق‌گرایی (ایثار)	۵۹
۳۱	خساست، بخل و متعلقات آن دو	اخلاق‌گرایی (شح و بخل‌ستیزی)، اخلاق‌گرایی (ایثار)	۱۵
۳۲	صبر	صبر	۳۴
۳۳	رازداری	رازداری	۱۳
۳۴	شکر، خصلتی که امیر و مأمور به واسطه آن اصلاح می شوند و باعث جلب نعمت فراوان از جانب خداوند می‌شود	شکرگزاری؛ شکرگزاری (به مثابه سیاست)	۵۰
۳۵	خوی و خصلت انسان‌ها (مشترک بین انسان و حیوان) که اصلاح‌کننده امیر و مأمور و رئیس و مرئوس و تسهیل‌بخش روابط مردم است و از قرآن گرفت شده است	اخلاق‌گرایی	۵
۳۶	خصلتی که غایت کمال سلطان و شفای سینه‌ها و راحتی دل‌ها و طیب خاطر انسان‌ها در رعایت آن است	اخلاق‌گرایی	۴
۳۷	خصلتی که پناهگاه پادشاهان موقع سختی‌ها و پریشانی‌ها و تغییر چهره‌ها و حالات است	اصلاح	۲
۳۸	خصلت‌های پادشاه که مورد نکوهش مردم است	رضایت مردم	۴
۳۹	سلطان عادل و سلطان ظالم	عدالت، مشورت	۳
۴۰	وظیفه مردم در زمان ظلم پادشاه	سکوت مردم	۱۰
۴۱	والیانی مانند خودتان بر شما گارده می‌شود	ظلم مردم	۵
۴۲	خصلت اصلاح‌کننده رعیت	اصلاح، همنشینان	۱۰

۴۶ فصلنامه دولت پژوهی

باب	عنوان باب در سراج الملوک	تمرکز موضوعی کدها	تعداد کدهای مستخرج
۴۳	مواردی که رعیت را به مالکیت سلطان در می‌آورد	عدالت، رضایت مردم	۵
۴۴	هشدار نسبت به مصاحبت با سلطان	همنشینان سلطان	۱۷
۴۵	همنشینی با سلطان	همنشینان سلطان	۱۱
۴۶	سیره و رفتار سلطان با سربازان	سپاهیان	۵
۴۷	در سیره سلطان در جمع‌آوری خراج و مالیات	اقتصاد، مالیات	۱۱
۴۸	سیره سلطان در مورد بیت‌المال	اقتصاد (تقسیم بیت‌المال)، زهد، اقتصاد (سهم مالی عالمان)	۱۹
۴۹	سیره سلطان در خرج بیت‌المال و سیره کارگزاران	فساد	۱۲
۵۰	سیره سلطان در تدوین دیوان‌ها و تقسیم ارزاق و سیره کارگزاران	اصلاح، زهد	۱۰
۵۱	احکام اهل ذمه	اهل ذمه، اصلاح، مالیات	۱۸
۵۲	صفات پسندیده و آلیان	شایسته‌سالاری، تملق، اصلاح	۱۴
۵۳	شروط و تعهداتی که از کارگزاران گرفته می‌شود	نظارت و ارزیابی کارگزاران	۱۴
۵۴	دریافت هدایا و رشوه توسط کارگزاران برای وساطت و شفاعت	فساد	۶
۵۵	شناخت و معرفت حسن خلق	اخلاق‌گرایی	۳۶
۵۶	شومی ظلم و عاقبت بد آن	عدالت	۳۲
۵۷	حرام بودن و قبیح بدگویی و خبرچینی و اشاره به کردار ناشایست ناشی از این دو خصلت و عواقب نكوهیده آن	اخلاق‌گرایی، تحقیق درباره اخبار	۲۰
۵۸	قصاص و حکم آن	عدالت	۱۴
۵۹	گشایش بعد از سختی	امید	۲۱
۶۰	بیان خصلتی که اساس خصلت‌ها و ستون فضیلت‌هاست و هر کس که فاقد آن باشد هیچ خصلتی در او کامل نمی‌شود یعنی شجاعت که از آن به صبر و گاهی به قوت نفس تعبیر می‌گردد	شجاعت	۱۰
۶۱	جنگ‌ها، چاره‌جویی‌ها، تدابیر و احکام آنها	جنگ	۳۰
۶۲	قضا و قدر، توکل و طلب	تبیین قضا و قدر	۲۵
۶۳	مجموعه‌ای از اخبار و حکایات پادشاهان عجم و غیر آن	اخلاق‌گرایی، عقل‌گرایی	۲۷
۶۴	حکمت‌ها و احادیث پراکنده	اخلاق‌گرایی، عقل‌گرایی	۲۰

بسامدسنجی نهایی کدهای محتوایی / مفهومی بالادستی

با استخراج کدهای محتوایی بالادستی، شناخت محتوای سراج الملوک با ۴۳ کد محتوایی بالادستی به شرح ذیل و با درصدهای به دست آمده هر یک از میان تقریباً ۱۰۱۳۰ کد باز اولیه حاصل می‌شود:

شماره کد	موضوع کد	بسامد	درصد بسامد در کل اثر
۱	مشورت	۶۸	۵.۲
۲	معناگرایی	۵۰	۳.۸
۳	اخلاق‌گرایی	۱۶۸	۱۲.۹
۴	زهد	۱۵	۱.۱
۵	مسئولیت‌پذیری	۱۳	۱
۶	اصلاح	۱۶۹	۱۳
۷	عدالت	۱۴۴	۱۱.۱
۸	شایسته‌سالاری	۱۴	۱.۱
۹	فلسفه حکومت	۱۴	۱.۱
۱۰	استبداد	۱۴	۱.۱
۱۱	تدبیر	۱	۰.۱
۱۲	فساد	۲۷	۲.۱
۱۳	بدعهدی با مردم	۳	۰.۲
۱۴	حسادت	۱	۰.۰۱
۱۵	بخل	۲	۰.۱
۱۶	ترس	۱	۰.۰۱
۱۷	غضب	۲	۰.۱
۱۸	بی‌ارتباطی با مردم	۱	۰.۰۱
۱۹	صفات مثبت	۴	۰.۳
۲۰	فرمان‌برداری مردم	۱۱	۰.۸
۲۱	نیکی با مردم	۵	۰.۴
۲۲	عقل‌مداری	۵۴	۴.۱
۲۳	علم‌اندوزی	۲۳	۱.۸
۲۴	وزارت	۳۷	۲.۸
۲۵	صبر	۳۴	۲.۶
۲۶	رازداری	۱۳	۱
۲۷	شکرگزاری	۵۰	۳.۸

شماره کد	موضوع کد	بسامد	درصد بسامد در کل اثر
۲۸	رضایت مردم	۷	۰.۵
۲۹	سکوت مردم	۱۰	۰.۸
۳۰	ظلم مردم	۵	۰.۴
۳۱	همنشینان	۱	۰.۰۱
۳۲	همنشینان سلطان	۲۸	۲.۱
۳۳	سپاهیان	۵	۰.۴
۳۴	اقتصاد	۲۵	۱.۲
۳۵	مالیات	۹	۰.۷
۳۶	اهل ذمه (مسیحیان و یهودیان)	۸	۰.۶
۳۷	تملق	۱	۰.۰۱
۳۸	نظارت و ارزیابی کارگزاران دولتی	۱۴	۱.۰۷
۳۹	تحقیق درباره اخبار	۱	۰.۰۱
۴۰	امید	۲۱	۱.۶
۴۱	شجاعت	۱۰	۰.۸
۴۲	جنگ	۳۰	۲.۳
۴۳	تبیین قضا و قدر	۲۵	۱.۲

نمودار میله‌ای کدهای محتوایی / مفهومی



تفسیر پرکاربردترین کدها بر مبنای مدل مفهومی اسپریگنز

بحران: تحلیل محتوای سراج الملوک نشان می‌دهد که به ترتیب سه کد مفهومی «اصلاح» (۱۶۹ بار تکرار / ۱۳ درصد)، «اخلاق‌گرایی» (۱۶۸ بار / ۱۲.۹ درصد) و «عدالت» (۱۴۴ بار / ۱۱.۱ درصد) پرکاربردترین بسامدهایی هستند که با

درصدی نزدیک به یکدیگر، از بسامد پرکاربرد رده بعد از خود یعنی «مشورت» (۶۸ بار / ۵.۲ درصد) فاصله چشمگیری دارند. اهمیت بسامدسنجانه این کدهای مفهومی سه‌گانه نشان از آن دارد که برای فهم نظریه سیاسی طرطوشی باید به نقش محوری این کدهای سه‌گانه پی برد. بر اساس مدل مفهومی اسپریگنز برای شناخت نظریه سیاسی، «بحران» نقشی محوری در شناخت نظریه دارد؛ اسپریگنز معتقد است که نظریه؛ تلاشی است شناختی برای درک و ارائه تصویر جامعی از مصیبت‌های جامعه یا همان «بحران» (اسپریگنز، ۱۹۹۷: ۲۵). از نظر وی، بحران در جامعه می‌تواند ملموس یا غیر ملموس باشد؛ مثلاً «ناامنی»، بی‌نظمی آشکاری است که به شکلی ملموس با زندگی روزانه انسان‌ها سر و کار دارد. وقوع جنگ‌ها و شورش‌های داخلی نیز از همین دست است؛ اما «بی‌نظمی در توزیع ثروت» می‌تواند پدیده غیر ملموس‌تری به نام «بی‌عدالتی» را به همراه داشته باشد. همین‌طور «تباهی اخلاق» (در اشکال مختلف) نمونه‌های متعددی از درهم‌ریختگی و فساد را به همراه می‌آورد که هر چند ممکن است در تمامی شرایط بر زندگی انسان تأثیرگذار باشد، اما در حقیقت، شکلی غیر ملموس دارد (اسپریگنز، ۱۹۹۷: ۷۱-۷۲).

بر اساس نگاه بحران‌محور در مدل اسپریگنز و تطبیق آن با تحلیل سه‌کده اصلی مفهومی در اندیشه طرطوشی، می‌توان نتیجه گرفت که پربسامدترین کلیدواژه نظریه طرطوشی یعنی «اصلاح»، آینه معکوسی از «بحران» است؛ محوریت مفهوم اصلاح در متن، نشان از وجوب و ضرورت تاریخی «تغییر» دارد تا جامعه سیاسی بتواند به کارآمدی خویش بازگردد. این بدان معنی است که بحران، واقعیتی محض در اندیشه سیاسی نظریه‌پرداز بوده و عینیت این چنین بحرانی در جامعه، نظریه‌پرداز را به اندیشیدن و پرورش نظریه سیاسی واداشته است. به عبارت دیگر، نظریه سیاسی توصیه‌ای برای رفع اختلالی کارکردی در نهاد سیاسی جامعه است (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۱۵).

علل / عوامل بحران: در مدل اسپریگنز، پس از شناخت، درک و یا قبول

واقعیتی به نام بحران، ضرورت دارد تا با درکی علی، تبیین بحران و شناخت عوامل ایجاد آن صورت پذیرد. اسپریگنز معتقد است که نظریه پرداز در مسیر کنش اندیشمندانه (نظریه)، عامل یا عواملی را بازشناسی و معرفی می کند که بر اساس عقیده او، موجب شده اند تا بحران به عنوان معلول در جامعه ایجاد شود. این عوامل در نگرشی کارکردگرایانه، نظام ارتباطی میان اعضای جامعه را از کار انداخته اند و یا دست کم دچار اختلال جدی کرده اند (اسپریگنز، ۱۹۹۷: ۱۵)؛ این علل، سیاسی و جمعی هستند یعنی عللی عمومی هستند نه فردی و ماهیتی قراردادی دارند نه طبیعی (اسپریگنز، ۱۹۹۷: ۸۱)؛ به عبارت دیگر، این اجتماع است که مسئول زایش عوامل عرضی (نه ذاتی) بحران است، لذا به دست اجتماع نیز قابل کنترل و رفع است (اصلاح).

بازخوانی دو کد پر تکرار دیگر یعنی «اخلاق گرایی» و «عدالت» دومین حلقه از مدل اسپریگنزی یعنی علل بحران را نشان می دهد؛ این دو نیز به شکلی معکوس، از «فساد اخلاقی» و «بی عدالتی» حاکم بر جامعه پرده بر می دارند. تاکید نظریه پرداز بر اخلاق گرایی (با محوریت آموزه های عملی اسلامی)، در حقیقت نه اخلاقی فردی، بلکه اخلاقی سیاسی است که هرچند مقولات آن، گاه بر برداشت های فردی مانند تقوا باوری و خداترسی استوار است (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۷ - ۵۷)، اما نتیجه عملی آن در عملکرد سیاسی حاکمان و سپس جامعه بازتاب خواهد یافت. کاربرد فراوان عدالت در نظریه وی نیز به عنوان عینیتی کاملاً عملی یعنی آنچه در قالب «اصلاح دستگاه قضا، برابر دانستن اقشار جامعه و تبیین حقوقی مشخص برای تمامی افراد» دیده می شود و در واقع نشان از آن دارد که نظریه پرداز میان این مفاهیم و عوامل اصلی بحران رابطه ای معکوس قائل بوده است. بدین ترتیب، در نظریه سیاسی طرطوشی می توان «انحطاط اخلاقی» را یکی از دو عامل اصلی بحران دانست. هرچند اخلاقی گری مورد نظر طرطوشی بیشتر خصلتی دینی دارد و سپس، بهره مندی از دیدگاه های حکمی و ادبی با معیارهای فاضلانهای که نظریه پرداز گهگاه از آن ها استفاده

می‌کند (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۲۰، ۲۷، ۳۰-۴۳). «بی‌عدالتی» نیز دیگر عامل اصلی بحران سیاسی در اندیشه طرطوشی است. طرطوشی برای عدالت خصلتی عملی قائل است و موضوعاتی مانند اهمیت بخشیدن به جایگاه اجتماعی و سیاسی قاضیان به منظور تضمین سلامت دستگاه قضا و سلامت اخلاقی قاضیان و پرهیز ایشان از نفس‌پرستی و فساد از معیارهای این عدالت کاملاً عمل‌گرایانه است (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۷۳-۷۴، ۸۳، ۹۰-۹۵، ۱۳۷-۱۳۸، ۴۳۰-۴۲۵). بدین ترتیب، رابطه این دو عامل با مدل اسپریگنز که در آن اخلاق و عدالت جایگاه مهمی دارد، به روشنی قابل درک است (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

آرمان: بدیهی است زمانی که طرطوشی مشغول تبیین عوامل اصلی بحران یعنی انواع فسادهای فردی و ساختاری در دستگاه حاکمیت و دستگاه قضایی بوده است، عملاً تصویری از وجه نامطلوب به دست می‌دهد تا با تلاشی معکوس، تصویری از «وجه مطلوب» یا همان «آرمان» به دست آید؛ به عبارت دیگر، تمام این تلاش‌ها، ناظر به تحقق دولت آرمانی طرطوشی یعنی دولت «فضیلت‌محور، اخلاق‌گرا و عدالت‌محوری» است. بدین ترتیب، بخش سوم مدل مفهومی اسپریگنز یعنی دولت آرمانی، در نظریه طرطوشی در قالب دولت «فضیلت‌محور، اخلاق‌گرا و عدالت‌محور» به چشم می‌آید. این ویژگی کلان یعنی اخلاق‌گرا و عدالت‌محور شدن ساختار دولت، رکنی مهم از نگاه اصلاح‌خواهانه نظریه است؛ به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که اندیشمند دولت آرمانی؛ خود را از رهگذر رعایت فضیلت در ساختار دولت از فرمانروا گرفته تا کارگزاران جزء، بازخوانی می‌کند. آرمان‌گرایی اخلاقی یعنی اخلاقی شدن دولتمردان و ضابطان عدالت در جامعه، در مدل مفهومی اسپریگنز نیز جایگاه اساسی دارد (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۱۷۲).

راه‌حل: طبق مدل مفهومی اسپریگنز منطبق با وجه آرمانی اندیشه سیاسی،

اندیشمند؛ راهبردها و یا «راه‌حل»‌هایی را برای رسیدن به آن آرمان طرح می‌کند (اسپریگنز، ۱۳۹۷: ۱۴۷). نظریه طرطوشی نیز برای رسیدن به دولت آرمانی مسیر اصلاحی مشخصی را بازنمایی می‌کند. در سراج‌الملوک اجزاء، اشکال و ویژگی‌های این راه‌حل‌ها در سراسر اثر پراکنده‌اند؛ یعنی زبان نظریه، امثال و اشعار، حکمت‌ها، پندها، گزارش‌های تاریخی و شبه تاریخی، احادیث و آیات متعدد قرآن به نحوی به خدمت گرفته شده‌اند تا ضوابط این راه‌حل‌ها توصیف شوند (برای نمونه نک: طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۶۰، ۳۰-۶۱، ۱۵۴). مهم‌ترین راه‌حل‌های نظریه طرطوشی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی و تبیین نمود:

* عملکرد اخلاقی فرمان‌روا: در دولت آرمانی طرطوشی، فرمانروا چه به عنوان فرد و چه به عنوان یک طبقه، باید نمادی از مکارم و عمل اخلاقی باشد. برای رسیدن به این امر، اخلاق عملی مد نظر طرطوشی زمینه‌ای معرفت‌شناسانه دارد که در بیشتر بخش‌ها متکی به معارف قرآنی و حدیثی است (برای نمونه نک: طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۷-۶۳). «معناگرایی» (۵۰ بار) بخش معرفت‌شناسانه این نظام اخلاقی را شکل می‌دهد که خدا‌باوری توحیدی، معاداندیشی الهی، پرهیز از دنیاگرایی، مرگ‌اندیشی با رویکردی آخرت‌گرا و درک و دریافت‌های عارفانه معطوف به «زهدگرایی» (۱۵ بار) جزئی از آن است (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۷-۲۰، ۳۰-۲۵). بر اساس این فضای معنایی، نظام اخلاق‌گرایانه فرمانروا شکل می‌گیرد. در این نظام اخلاق‌محور الهی، دولت نماد «فلسفه الهی حکومت» (۱۴ بار) و امری الهی دانسته می‌شود (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۰۸-۱۰۹)، فلذا فرمانروا باید با اخلاق‌مداری، جلوگیری از هوس‌رانی و با زهدگرایی «شکر» (۵۰ بار) این نعمت را نسبت به درگاه الهی به جا آورد (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۲۴۵-۲۵۷). مفاهیم کاربردی دیگر برای نظام اخلاقی توصیه شده برای فرمانروا، مفاهیمی کاربردی مانند «صبر» (۳۴ بار) و فضیلت آن در دشواری‌ها، «شجاعت» (۱۰ بار) در برابر عناصر تهدیدکننده غیر الهی، «امید» (۲۱ بار) به الطاف گشاینده

الهی در امور دشوار دولتمردی و هر «صفت پسندیده» (۴ بار) دیگری است که فرمانروا می‌تواند بدان زیننده باشد.

*** سالم و کارآمدسازی دستگاه قضایی:** دستگاه قضایی در دولت آرمانی طرطوشی نظامی مستقل است که در صورت طرح دوگانه اختلافی میان فرمانروا و عدالت‌گستر، به عدالت‌گروش دارد، مسئولیت خود را بسیار خطیر می‌داند و هر لحظه بیم آن دارد که حقوقی از افراد در اثر کم‌توجهی ضایع شود. قاضیان در این نظام فکری، ردایی زاهدانه و متقی به تن دارند و در حالی که بر آخرت خود در اثر تهدید خطر دائمی سقوط به خصلت بی‌عدالتی بیمناک هستند، با وسواس به امور قضا می‌پردازند (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۷۳-۷۴، ۷۴-۹۰-۹۵). کدهای پربسامد عدالت در متن که از نظر تکرار سومین بسامد متن است، به‌خوبی نشان از آن دارد که عدالت از ساختار دستگاه قضا گرفته تا معادباوری و رفتار تقوامحور قاضیان، رکن مهم اندیشه طرطوشی است.

*** ارتقای جایگاه عالمان دینی:** در نظر طرطوشی، «مشورت فرمان‌روا با عالمان دینی» (۶۸ بار) که طرطوشی خود از برجسته‌ترین نمایندگان این طبقه بوده است، برای فرمان‌روا ضرورتی گریزناپذیر، چه برای سعادت در امر حکمرانی، چه برای نجات از وسوسه رفتار غیراخلاقی و غیردینی است. طرطوشی که موضوع «همنشینان سلطان» (۲۸ بار) یعنی اطرافیان تاثیرگذار بر فرمان‌روا را صاحب اهمیتی فراوان می‌داند، معتقد است که همنشینان فرمان‌روا را باید ضرورتاً عالمانی به خود اختصاص دهند که رفتاری زاهدانه، به دور از تملق و نفس‌گرایی دارند و به همین سبب، در بحران‌ها و موضوعات پیش‌رو صادقانه به فرمان‌روا مشورت می‌دهند (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۲۱، ۱۵۰، ۱۸۹). به نظر می‌رسد، ارتباط تنگاتنگ فرمان‌روایان فاطمی با مشاوران غیرمسلمان که از موضوعات مورد نقد طرطوشی علیه فاطمیان بوده است (به عنوان نمادی از بحران)، بر این دیدگاه وی تاثیر نهاده باشد (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۷۹-۸۰).

*** شایسته‌سالاری:** «شایسته‌سالاری» (۱۴ بار) از دیگر راهبردهای رسیدن به دولت آرمانی در نظر طرطوشی است. به نظر می‌رسد که این شایسته‌سالاری با اخلاق‌گرایی و عدالت در رفتار ارتباط تنگاتنگ داشته باشد. او معتقد است برای رسیدن به دولت آرمانی لازم است همزمان با تعمیم اخلاق‌مداری در ساختار حاکم و کارگزاران دولت، گزینش کارگزاران برای مقام‌های دولتی نیز بر اساس شایسته‌سالاری صورت پذیرد (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۹۸، ۱۲۷).

*** نظارت بر ساختار اجرایی دولت:** «نظارت» (۱۴ بار) بر عملکرد کارگزاران اعم از دولتی و قضایی، از دیگر راهبردهای رسیدن به دولت آرمانی در نظر طرطوشی است. به‌رغم تأکید بر اخلاق‌مداری فرمانروا و کارگزار، طرطوشی معتقد است که این کافی نیست و دولت باید به‌طور منظم بر عملکرد دولت‌مرد و کارگزاران نظارت داشته باشد تا ایشان از فساد و ناتوانی در انجام امور آسیب‌نبینند (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۳۳۲-۳۳۷).

*** فسادستیزی در ساختار اقتصاد:** هرچند طرطوشی بر زهد (۱۵ بار) و عدم دنیاپرستی تأکیدات فراوانی دارد، اما در شناخت کارکردی از ساختار جامعه، رکن یا نهاد «اقتصاد» (۲۵ بار) را حائز اهمیت فراوانی می‌داند و همزمان در رکن اقتصادی دولت آرمانی خود از هر نوع فساد بیمناک است، لذا به طرح راه‌حل‌های موضوعی می‌پردازد؛ نمونه‌های بارز این راه‌حل‌ها را طرطوشی در موضوعاتی مانند اخذ عادلانه «مالیات»‌ها و راهکارهای آن می‌داند (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۴۸، ۳۱۰).

*** تنظیم روابط عادلانه میان فرمانروا و رعیت:** در نظر طرطوشی، رابطه میان فرمانروا و مردم یکی از مصادیق «قضا و قدر الهی» (۲۵ بار) است که در آن عامه باید در برابر فرمانروا «سکوت» (رضایت) (۱۰ بار) و «فرمان‌برداری» (۱۱ بار) اعتقادی و عملی داشته باشند تا مبادا هر نوع نافرمانی ایشان، مصداقی از «ظلم مردم» (۵ بار) بر حاکمیت باشد. در برابر، رفتار عادلانه فرمانروا با عامه

نیز وظیفه‌ای است که فرمان‌روا باید بدان پایبند باشد (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۸۳، ۱۳۸-۱۳۷، ۴۳۰-۴۲۵).

*** ضرورت عقل‌گرایی دینی:** طرطوشی فقیهی مالکی بود که دوران مستمر اقامت در عراق و تعلیم در مدارس نظامیه وی را جذب اندیشه‌های اشعری ساخته بود. تاثیر این گرایش کلامی در نظریه سیاسی وی در تعداد پرکاربرد ضرورت «عقل‌گرایی» (۵۴ بار) در تصمیمات دولت دیده می‌شود. همزمان، طرطوشی «فراگیری علم» (۲۳ بار) که در اینجا بیشتر به معنی حدیث و فقه و علوم اسلامی و بلاغی است را برای فرمان‌روا و کارگزاران دولت ضروری می‌داند (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۵۱-۱۵۲، ۴۳۳). به عبارتی دیگر، او مسیر نفوذ عالمان (دینی) در دولت را از این طریق هموارتر می‌سازد و می‌کوشد تا عقل‌گرایی دینی با عمل‌کرد دولت هم‌خوان باشد.

*** تنظیم ساختار کارگزاران:** طرطوشی درحالی که نگاهی شبه کارکردگرا و اندام‌واره به اجزا و نهادهای سازنده جامعه دارد، با نگاهی مشابه، در ساختار درونی دولت نیز به ترسیم کارکردی اجزای آن می‌پردازد. در نظر او فرمانروا در رأس و سپس قاضیان، کارگزاران اجرایی و مالیاتی و عالمان مشاور یا همنشینان فرمان‌روا در اولویت بعدی به مثابه اندام عمل‌کردی دولت قرار می‌گیرند. از میان کارگزاران دولت، ارشدترین آنان «وزیر» (۳۷ بار) است که ضرورت‌های تاریخی و دینی وجود مقام او در تشکیلات دولت از آموزه‌های ایران باستان و نیز تعالیم اسلامی با بهره‌مندی از قرآن و حدیث نشأت گرفته شده است (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۱۴۸، ۱۶۶-۱۷۱، ۳۱۳-۳۱۷).

*** سپاهیان:** در ساختار کارکردی دولت آرمانی طرطوشی، موضوع «سپاهیان» (۵ بار) و «جنگ و امور نظامی» (۳۰ بار) جزئی مهم را تشکیل می‌دهد. با بهره‌گیری از آیات قرآنی، احادیث و تجربیات حکمی گذشتگان، اعم از دوران باستان یا دوران اسلامی، طرطوشی می‌کوشد تا نشان دهد که وجود سپاهی

مقتدر و توانمند در آرایش و عملیات نظامی، مدافع در برابر حملات دشمن و مهاجم در هنگام نیاز از ضروریات حاکمیت است. به نظر می‌رسد تهاجمات سهمگین صلیبیان به سرزمین‌های اسلامی، بویژه شام و مرزهای شمال شرقی مصر، بی‌تاثیر بر برداشت طرطوشی در این زمینه نبوده باشد. طرطوشی حتی به بخش‌هایی از مراحل و اشکال جنگ و فنون آن مانند آرایش و تقسیمات سپاه نیز اشاره دارد (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۲۸۷-۲۸۸، ۴۰۸-۴۲۴).

*** متنزل ساختن جایگاه غیر مسلمانان:** یکی از بارزترین بازتاب‌های شرایط تاریخی دوران حیات طرطوشی در اندیشه سیاسی وی را می‌توان در موضع‌گیری تند وی علیه جایگاه غیرمسلمانان دانست. این موضوع که در اثر وی با کد «اهل ذمه» (۸ بار) به کار رفته است، به خوبی دیدگاه‌های سختگیرانه وی در برابر مسیحیان و یهودیانی را نشان می‌دهد. چنانکه اشاره شد، اهل ذمه در دوران فاطمی و به واسطه ساختار تسامح‌محور دولت فاطمیان در برابر غیر مسلمانان مسیحی و یهودی، صاحب ارتقای جایگاه سیاسی و اجتماعی شده بودند و این موضوع از جمله عوامل نارضایتی مسلمانان سنی مذهبی بود که خواهان شرایط سختگیرانه بر اهل ذمه، از جمله اعمال مقررات تحقیرآمیز عدم برابری ایشان با مسلمان بودند که برای نمونه حتی غیر مسلمانان را از نشستن بر اسب در حضور مسلمانان و یا داشتن خانه‌هایی مرتفع‌تر نسبت به مسلمانان منع می‌کرد. طرطوشی به عنوان حامی این دیدگاه علیه غیرمسلمانان، به تبیین و جوب این برخورد از سوی دولت اسلامی نسبت به غیر مسلمانان می‌پردازد (طرطوشی، ۱۹۹۵: ۳۱۹-۳۲۵).

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش که بخش مهمی از آن بر مبنای روش تحلیل محتوا به کدگذاری و کانون‌سنجی محتوای اثر پرداخته، نشان می‌دهد که سراج‌الملوک از منظر مدل شناختی اسپریگنز برای فهم نظریه‌های سیاسی قابل‌بازشناسی

است و به عبارتی دیگر، یک نظریه اصیل سیاسی به شمار می‌آید و با مراحل چهارگانه اسپریگنز در مدل مفهومی خود یعنی «بحران‌شناسی، علل‌شناسی بحران، آرمان و راه‌حل‌شناسی» همخوانی دارد.

نگاه اصلاح‌گرانه نظریه‌پرداز، تطبیق کاملی با آموزه‌های دینی اسلام، جهان‌بینی آخرت‌اندیش و معناگرایی معانداندیش دارد؛ از نگاه او یک «بحران» سیاسی به سراغ دستگاه خلافت فاطمی آمده است که «علل» آن را «فساد اخلاقی دولتمردان دنیاگرایی، ناتوانی دولت فاطمی در اداره کشور و در نتیجه انحطاط سیاسی، بی‌عدالتی در دستگاه قضایی ناکارآمد و نفوذ اهل ذمه در ساختار قدرت» تشکیل می‌دهد؛ برای دفع این بحران، تشکیل یک دولت آرمانی ضرورت دارد که «فضیلت‌محوری و عدالت» وجه بارز ماهیت آن است. برای رسیدن به این چنین دولتی، راه‌حل‌های یازده‌گانه‌ای پیشنهاد گردیده است که از مهم‌ترین آنان ارتقای جایگاه اجتماعی و سیاسی عالمان دینی است، بدین نحو که عالمان مشاور مستقیم و مؤثر طبقه حاکم دین‌مدار باشند تا ضمانتی برای اصلاح امر سیاسی و تحقق امر اخلاقی در دولت به شمار آیند. از دیگر راه‌حل‌های وی زدودن فساد از دستگاه قضاست که آن نیز از طریق بسط قدرت مؤثر عالمان در ساختار نظام قضایی رخ می‌دهد. در این میان، از منظر طرطوشی، تنزل‌بخشیدن به جایگاه طبقاتی اهل ذمه می‌تواند ضمانت دیگری برای برقراری حاکمیت دولت آرمانی دین(اسلام)مدار باشد.

منابع

الف فارسی

- آرون، ریمون، (۱۳۸۴)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بشکوال، ابوالقاسم خلف بن عبدالملک، (۱۹۶۶)، *الصله*، مصر: الدارالمصريه للتأليف و الترجمة.
- ابن تغری بردی، یوسف، (۱۳۹۰ق)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، قاهره: وزاره الثقافه والارشاد القومي.
- ابن خلکان، ابوالعباس احمد بن محمد، (۱۳۶۴ش)، *وفیات الأعیان*، بیروت: چاپ احسان عباس.
- ابن شداد، بهاء الدین یوسف، (۱۹۶۴)، *النوادر السلطانيه و المحاسن اليوسفيه*، چاپ جمال الدین شیال، قاهره: دار المصريه للتأليف و الترجمة.
- ابن صیرفی، علی بن منجب، (بی تا)، *الاشاره الی من نال الوزاره*، تحقیق عبدالله مخلص، قاهره: المعهد العلمي الفرنسي.
- ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، لبنان: دارالفکر.
- ابن فرحون، ابراهیم بن علی بن محمد، (۱۴۱۷/۱۹۹۶)، *الدیباج المذهب فی معرفه اعیان علماء المذهب*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اسپریگنز، توماس، (۱۳۹۷ش)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر آگاه.
- اشتری تفرشی، علیرضا و بادکوبه هزاوه، احمد، (۱۳۸۹)، «سیاست‌های مذهبی وزیران سنی مذهب فاطمیان: انگیزه‌ها، اهداف و راهبردها»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال چهل و سوم، شماره ۱.
- بیاتی، جعفر، (۱۹۹۹)، *مفهوم الدوله عند الطرطوشی و ابن خلدون*، تونس: دارالمعارف للطباعه و النشر.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (۱۴۰۲-۱۴۱۰)، *کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حتّی، فیلیپ، (۱۳۸۰م)، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر آگه.
- شیال، جمال الدین، (۱۹۶۵)، *أعلام لاسکندریه فی العصر الاسلامی*، قاهره: دارالمعارف..

سمعانی عبد الکریم بن محمد بن منصور، (۱۹۷۸/۱۳۹۸)، *الانساب*، هند: حیدرآباد دکن، مطبعه دائره المعارف العثمانیه.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۹۶۷/۱۳۸۷)، *حسن المحاضره فی تاریخ مصر و القاهره*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، داراحیاء الکتب العربیه.

ضبی، احمد بن یحیی، (۱۹۸۹/۱۴۱۰)، *تبعیه الماتمس فی تاریخ رجال اهل الاندلس*، به کوشش ابراهیم ایباری، قاهره - بیروت: دارالکتب المصری - دارالکتب اللبنائی.

طرطوشی، ابوبکر محمد بن ولید، (۱۹۹۵)، *سراج الملوک*، چاپ اول، بیروت: دار صادر.

طرطوشی، ابوبکر محمد بن ولید، (۱۹۹۷)، *رساله فی تحریم الجین الرومی*، بیروت: چاپ عبدالمجید ترکی.

لوئیس، یرنارد، (۱۳۸۹)، «عباسیان»، ترجمه علیرضا اشتری تفرشی، *نامه تاریخ پژوهان*، سال ششم، شماره بیست و چهارم.

کسائی، نوراله، (۱۳۶۸)، «از نظامیه تا مستنصریه»، *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۴۷-۴۸.

ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، *الاحکام السلطانیه*، قاهره: دارالحدیث.

مصطفی عامر، فاطمه، (۲۰۰۰م)، *تاریخ اهل الذمه فی مصر الإسلامیه*، قاهره: الهیئت المصریه العامه للکتاب.

مقری، احمد بن محمد تلمسانی، (۱۹۶۸/۱۳۸۸)، *نقح الطیب من غصن الاندلس الرطیب*، به کوشش احسان عباس، بیروت: دارالفکر.

ناصری طاهری، عبدالله، (۱۳۷۹)، *فاطمیان در مصر*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

واکر، پل ای، (۱۳۸۳)، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۶۵)، *کتاب معجم البلدان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.